

## رابطه پاسخ‌های رفتاری به محرک اجتماعی مبهم با اسناد نیت، هدف‌های اجتماعی و ادراک خود - کارآمدی کودکان\*

الهه حجازی

استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

دانشگاه تهران

معصومه شکوری فر

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

چکیده:

به منظور بررسی رابطه پاسخ‌های رفتاری کودکان به محرک اجتماعی مبهم با اسناد نیت، هدف‌های اجتماعی و ادراک خود - کارآمدی، ۶۳۵ دانش‌آموز (۳۱۴ دختر و ۳۲۱ پسر) پایه پنجم ابتدایی مدارس سبزواری مورد بررسی قرار گرفتند. ابتدا کلیه آزمودنی‌ها به پرسش‌های ۱ و ۲ آزمون موقعیت فرضی مبهم پاسخ دادند. براساس پاسخ به این دو پرسش، گروه‌های اسناددهنده خصومت و اسناددهنده عدم خصومت که هر گروه شامل دانش‌آموزان کناره‌گیر، پرخاشگر و مسئله‌گشا بودند شناسایی و بقیه از پژوهش حذف شدند. سپس آزمودنی‌های (۲۰۴ نفر) هر گروه به‌طور انفرادی مورد مصاحبه قرار گرفتند و به پرسش‌های ۳ و ۴ آزمون موقعیت فرضی پاسخ دادند. یافته‌ها حاکی از این است که دانش‌آموزان با سبک‌های اسنادی مشابه دارای پاسخ‌های رفتاری متفاوتی هستند. به‌علاوه، دانش‌آموزان کناره‌گیر، پرخاشگر و مسئله‌گشا در هر دو گروه اسناد دهنده خصومت و عدم خصومت در انتخاب هدف‌های اجتماعی و ارزیابی خود - کارآمدی در رسیدن به این هدف‌ها با هم متفاوتند. به‌طور کلی اگر چه اسناد نیت در تعیین پاسخ‌های رفتاری نقشی مهم دارد؛ اما انتخاب هدف‌های اجتماعی و ادراک خود - کارآمدی عاملی مؤثر در ایجاد تفاوت‌های رفتار اجتماعی کودکان می‌باشد. واژگان کلیدی: خود - کارآمدی، اسناد نیت، هدف‌های اجتماعی.

مطالعه قابلیت اجتماعی کودکان یکی از موضوع‌های مورد توجه پژوهشگران در دو دهه اخیر بوده است. این مطالعات با دو هدف اساسی به هم مرتبط انجام شده است: الف) شناسایی کلیه ابعاد و فرایندهای مؤثر در بروز رفتارهای اجتماعی، ب) تعیین روش‌های

ارزیابی قابلیت اجتماعی کودکان. اگر چه این بررسی‌ها در ارائه تعریف واحدی از قابلیت اجتماعی توافق ندارند، ولی همگی بر ماهیت پیچیده و چندبعدی آن تاکید داشته‌اند که در تعاریف زیر به آن اشاره شده است: ۱. توانایی کودک در جذب اطلاعات و انتخاب راهبردهای مناسب در روابط بین فردی و بافت‌های مختلف اجتماعی (استرایر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹)؛ ۲. توانایی کودک در درک و فهم رفتار و حالات عاطفی دیگران (روتنبرگ<sup>۲</sup>، ۱۹۷۰). بر مبنای تعاریف فوق، کودک باید بتواند موقعیت‌های اجتماعی را که در آن قرار می‌گیرد مورد ارزیابی قرار دهد و قادر به درک روابط خود با دیگران در یک بافت ویژه باشد. او باید در تعاملات اجتماعی افکار و احساسات دیگری را پیش‌بینی کند و از راهبردهای مناسب اجتماعی که به برقراری رابطه با دیگران می‌انجامد استفاده کند. بدین ترتیب قابلیت اجتماعی با شناخت کودک از روابط و پدیده‌های اجتماعی ارتباط دارد.

بندورا<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) معتقد است تعاملات پیچیده‌ای بین افکار، احساسات و رفتار کودک با محیط وجود دارد. افکار و احساس کودک در مورد یک پدیده، رفتار وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و رفتار کودک در موقعیت‌های ویژه بر نحوه تفکر او تأثیر می‌گذارد. بنا بر نظر بندورا کودک برای شناخت دنیای اجتماعی و جایگاه خود در آن به پنج مهارت نیاز دارد:

نماد سازی<sup>۴</sup>. فکر کردن درباره رفتار اجتماعی خود در قالب کلمات و تصاویر. این مهارت با هشیاری نسبت به جنبه‌های مختلف اعمال فرد همراه است.

دوراندیشی<sup>۵</sup>. توانایی پیش‌بینی کردن پیامد اعمال خود و دیگران. این مهارت موجب برانگیختگی رفتار می‌شود.

خود - تنظیمی<sup>۶</sup>. پذیرش هنجارهای رفتاری. این هنجارها اجتماعی و اخلاقی هستند.

خود - تعقلی<sup>۷</sup>. تجزیه و تحلیل افکار و اعمال خود.

یادگیری مشاهده‌ای<sup>۱</sup>. یادگیری رفتارهای اجتماعی با مشاهده رفتار دیگران. به‌باور بندورا، پس از توجه کودک به الگو (رفتار)، بازنمایی ذهنی از آن رفتار شکل می‌گیرد. سپس بازنمایی تبدیل به عمل می‌شود. این فرایند با سن کودک بهبود می‌یابد. نقصان در هریک از این مراحل به تفاوت‌های رفتاری کودکان می‌انجامد. افزون بر این، بندورا (۱۹۸۹) ادراک خود-کارآمدی<sup>۲</sup> را نیز عاملی در ایجاد تفاوت‌های رفتاری اجتماعی کودکان تلقی می‌کند. دوئک و لگیت<sup>۳</sup> (۱۹۸۸) اظهار می‌دارند که کودکان با ادراک خود-کارآمدی پایین‌تر، از رویارویی با موقعیت‌های اجتماعی اجتناب کرده و یا نمی‌توانند در تعاملات اجتماعی به‌صورت مؤثر رفتار کنند. چگونگی تفسیر حوادث اجتماعی و انتخاب هدفی که کودک سعی در رسیدن به آن دارد نیز موجب تفاوت رفتاری کودکان می‌شود (آشر و رانشا<sup>۴</sup>، ۱۹۸۳). کرک و داج<sup>۵</sup> (۱۹۹۴) در الگوی تجدیدنظر شده<sup>۶</sup> پردازش اطلاعات اجتماعی با توصیف فرایندهای حاضر از لحظه مواجهه با محرک اجتماعی تا بروز رفتار به نقش عوامل مختلف در ایجاد تفاوت‌های رفتار اجتماعی در کودکان پرداخته‌اند. براساس این الگو کودک با مجموعه‌ای از اطلاعات که حاصل تجربیات گذشته وی است (دانش اجتماعی، طرحواره‌های اجتماعی، اصول فراگرفته شده) وارد یک موقعیت اجتماعی می‌شود. در اولین مرحله کودک باید به نشانه‌های اجتماعی توجه کند و سپس به پردازش آنها پردازد. مراحل شش‌گانه پردازش عبارتند از: رمزگردانی نشانه‌های درونی و برونی، تفسیر نشانه‌ها، تعیین هدف، دستیابی به پاسخ یا ساخت پاسخ، تصمیم‌گیری در مورد پاسخ یا انتخاب آن، اقدام به عمل. پردازش اطلاعات با بازنمایی ذهنی از موقعیت اجتماعی که کودک در آن قرار گرفته است آغاز می‌شود. در مرحله اول کودک به‌طور گزینشی به نشانه‌های درونی و موقعیتی خاص توجه کرده، آنها را رمزگردانی و سپس تفسیر می‌کند. دانش حاصل از تجربیات قبلی از حافظه فراخوانده می‌شوند و به عنوان دستورالعملی جهت تفسیر و درک موقعیت اجتماعی حاضر به کار می‌رود. تفسیر نشانه‌ها ممکن است شامل

استنباط‌های علی و اسناد نیت باشد. اسنادهای علی عبارتند از استنباط‌هایی که افراد در مورد دلایل وقوع رویدادهای اجتماعی خاص به‌عمل می‌آورند (وینر-گراهام<sup>۱</sup>)، (۱۹۸۴). اسنادهای علی در مورد رویدادهای اجتماعی به فرد امکان می‌دهد تا به ارزیابی اطلاعاتی بپردازد که برای درک پیوند بین عمل‌ها و عکس‌العمل‌ها در یک بافت اجتماعی مورد نیاز است. علاوه بر آن، اسنادهای علی به کودک در تعیین هدف و انتخاب پاسخ به یک محرک اجتماعی کمک می‌کنند.

همچنین اسناد نیت به معنای درک مفهوم هدفمندی در انجام عمل و تمایز بین عمدی و اتفاقی بودن آن عمل می‌باشد (برنت و برنت<sup>۲</sup>، ۱۹۷۵). داج (۱۹۸۵) اظهار می‌دارد که تفاوت‌های فردی کودکان در زمینه رفتار اجتماعی ممکن است به تفاوت‌های آنان در اسناد نیت مربوط باشد. برای مثال اسناد دهنده‌های خصومت با این باور به دنیای اجتماعی خود وارد می‌شوند که دیگران قصد آزار آنان را دارند. و این شیوه اسنادی موجب افزایش پاسخ‌های پرخاشگری به سمت همسالانی می‌شود که آنان را تحریک می‌کنند. نتایج بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کودکان ناسازگار زمانی که احساس تهدید شدن می‌کنند (داج و سامبرگ<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷) یا وقتی که به‌طور تکانشی پاسخ می‌دهند (داج و نیومن<sup>۴</sup>، ۱۹۸۱) تمایل بیشتری برای اسناد نیت خصمانه به همسالان دارند. افزون بر این، کودکان مطرود یا پرخاشگر در ارزیابی نیت همسالان در موقعیت‌های اجتماعی مبهم بیشتر از دیگران دچار مشکل هستند (داج و همکاران<sup>۵</sup>، ۱۹۸۹). از طرف دیگر، نتایج برخی پژوهش‌ها مؤید آن است که جهت‌گیری‌های اسنادی ممکن است به الگوهای رفتاری متفاوتی منجر شود. برای مثال اسناد نیت خصمانه به همسالان ممکن است برای برخی از کودکان با پرخاشگری نسبت به همسالان و برای پاره‌ای با اجتناب از آنان همراه باشد (والدمن<sup>۶</sup>، ۱۹۸۸) و یا اینکه کودکان غیرپرخاشگر نیز یک جهت‌گیری اسنادی خصمانه داشته باشند (کیگل<sup>۷</sup> و همکاران، ۱۹۹۲). به نظر می‌رسد که در مراحل

1. Weiner - Graham

2. Berndt &amp; Berndt

3. somberg

4. Newman

5. Asher &amp; parkherst

6. Waldman

اول و دوم پردازش، کودک به مقایسه عملکرد قبلی با عملکرد فعلی خود نیز می‌پردازد. این ارزیابی به تقویت باورهای اولیه وی منتهی می‌شود یا باورهای جدیدی را در او ایجاد می‌کند. علاوه بر آن، با کمک اطلاعات موجود در حافظه، کودک علت موفقیت خود را در تعاملات قبلی ارزیابی می‌کند. این مجموعه عملیات در تفسیر رویدادهای محیطی نقشی مهمی ایفا می‌کند.

در مرحله سوم از پردازش اطلاعات اجتماعی، کودک به تدوین یا روشن کردن هدف‌ها مبادرت می‌ورزد. فرض بر این است که کودک با یک جهت‌گیری هدفی وارد یک موقعیت اجتماعی می‌شود. این هدف ممکن است مورد بازبینی قرار گیرد و یا هدف‌های جدیدی در پاسخ به محرک‌های اجتماعی تدوین شوند. هدف‌های اجتماعی تحت تأثیر احساسات، خلاق و خو، آموزش، هنجارهای فرهنگی و رسانه‌های گروهی قرار دارد. جهت‌گیری‌های هدفی عملکرد کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به صورت غیرمستقیم بر عکس‌العمل همسالان اثر می‌گذارد. برای مثال داج و همکاران (۱۹۸۹) نشان دادند کودکانی که در تدوین هدف‌های مناسب با یک موقعیت اجتماعی ناتوان هستند، از نظر اجتماعی ناسازگار محسوب می‌شوند. نتایج برخی از پژوهش‌ها مؤید آن است که تفاوت‌های فردی کودکان در تعیین هدف‌های اجتماعی با سطح پذیرش آنان از طرف همسالان رابطه دارد. کوری و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) دریافتند که کودکان طردشده از سوی همسالان معمولاً اجتناب از همسالان را به عنوان هدف اجتماعی برمی‌گزینند. اردلی و آشر<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) نیز بیان می‌کنند که هدف‌های اجتماعی در تعیین الگوهای رفتار اجتماعی مشارکت دارد. از نظر آنان بهترین روش در ارزیابی رفتار اجتماعی کودکان و تعیین رابطه جهت‌گیری هدفی و اسناد نیت، قرار دادن کودک در موقعیت‌های اجتماعی مبهم است. زیرا این موقعیت‌ها قادر به برانگیختن هدف‌های مختلف نزد کودک است.

پس از بازنمایی موقعیت اجتماعی و تدوین هدف مناسب برای آن موقعیت، در مرحله چهارم کودک پاسخ‌های رفتاری قابل دسترس در حافظه بلندمدت را فرا می‌خواند. پاسخ‌های اجتماعی کودکان شامل عقاید آنان درباره نحوه رفتار کردن در یک موقعیت اجتماعی ویژه است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کودکان مطرود از سوی

همسالان برای پاسخ‌گویی به موقعیت‌های تعاملی کمتر به پاسخ‌های مناسب دسترسی دارند و بیشتر از رفتارهای اجتنابی و یا پرخاشگرانه استفاده می‌کنند (آشر و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۸۰). در یک بررسی نشان داده شد (لاچمن<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۳) که پسران پرخاشگر در مقایسه با پسران غیرپرخاشگر هدف‌های انتقام‌جویی و تسلط را که برای آنان دارای ارزش بالایی است بیشتر برمی‌گزینند و بر اساس آن رفتار می‌کنند.

در مرحله پنجم از پردازش اطلاعات اجتماعی، کودک باید پاسخ‌های موجود را ارزیابی کند و یکی از آنها را جهت ارائه به موقعیت انتخاب کند. در ارزیابی پاسخ‌های ممکن به موقعیت‌های اجتماعی محتوای پاسخ، انتظار درباره پیامد و میزان اعتماد فرد به توانایی خود (ادراک خود - کارآمدی) نقش دارد. محتوای پاسخ به ارزیابی کودک از کیفیت رفتارهای اجتماعی اشاره دارد. مشاهده شده است که ارزیابی مطلوب از یک پاسخ به طور مثبتی با پیامد رفتاری آن پاسخ ارتباط دارد. کریک و لاد<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) در پژوهش خود نشان دادند که کودکان پرخاشگر پاسخ‌های پرخاشگرانه را معمولاً به عنوان پاسخ مناسب ارزیابی می‌کنند و آن را در موقعیت‌های مختلف ارائه می‌دهند. از این‌رو، این کودکان پاسخ رفتاری سازش نایافته را به عنوان یک پاسخ اجتماعی مطلوب ارزیابی می‌کنند. از طرف دیگر، انتظار درباره پیامد یک رفتار در انتخاب آن رفتار مؤثر است. انتظارات مربوط به پیامد می‌تواند به منزله عاملی بازدارنده و یا تحریک‌کننده برای ارائه یک رفتار محسوب شود. برای مثال، دیدگاه کودکان مطرود درباره پیامد رفتارهای رهبری منفی است و همین امر موجب گرایش آنان برای ارائه رفتارهای اطاعت‌پذیری می‌شود. داج و همکاران<sup>۴</sup> (۱۹۸۶) نیز نشان داده‌اند که کودکان با سبک‌های رفتاری پرخاشگرانه نسبت به همسالان انتظار نتایج مطلوب‌تری را برای رفتارهای پرخاشگری کلامی، رفتار اجتنابی و رفتار جامعه‌ستیزی در موقعیت‌های اجتماعی دارند. در الگوی پردازش اطلاعات اجتماعی فرض بر این است که کودک به هنگام گزینش یک پاسخ، ابتدا باید احساس کند که توانایی انجام موفقیت‌آمیز آن را دارد. بنابراین ادراک خود - کارآمدی می‌تواند ملاکی برای ارزیابی و انتخاب پاسخ رفتاری

باشد. نتایج پژوهش اردلی و آشر (۱۹۹۶) رابطه بین هدف‌های اجتماعی و ادراک خود-کارآمدی را نشان می‌دهد. کودکانی که به یک محرک اجتماعی به صورت پرخاشگرانه پاسخ می‌دهند به این دلیل که همسال قصد آزار آنان را داشته است بیشتر دارای هدف‌های خصمانه بوده و ارائه رفتارهای پرخاشگرانه را مؤثرتر از سایر رفتارها قلمداد می‌کنند. اما این رابطه در پژوهش‌های قبلی تایید نشده است (آشر و رانشا، ۱۹۸۳) و بنابراین نیازمند بررسی‌های بیشتر می‌باشد.

در مرحله ششم، کودک پس از ارزیابی پاسخ‌های بدیل به یک موقعیت اجتماعی ویژه، دست به‌گزینش می‌زند و پاسخی را که مثبت ارزیابی کرده اجرا می‌کند. دیده شده است که کودکان ناسازگار در مقایسه با همسالان خود بیشتر بر انتخاب رفتار پرخاشگرانه یا رفتارهای نابهنجار تاکید دارند (اسلابی و گرا<sup>۱</sup> ۱۹۸۸). این کودکان معمولاً در ارزیابی پاسخ‌ها دچار مشکل‌اند و خودکارآمدی خود را تنها در زمینه ارائه رفتارهای پرخاشگرانه می‌دانند.

باتوجه به مراحل شش‌گانه پردازش اطلاعات اجتماعی، رفتار اجتماعی تحت تأثیر نیت، هدف‌ها، ادراک خود-کارآمدی، تجربیات و عواطف فرد قرار دارد. در این رویکرد قابلیت اجتماعی دارای ابعادی وسیع و پیچیده‌است که برای ارزیابی آن باید از ابزارهای مناسب بهره جست.

الگوی پردازش اطلاعات اجتماعی، ارزیابی قابلیت اجتماعی کودک را به موقعیت اجتماعی که در آن قرار گرفته و با تکلیفی که با آن روبه‌رو شده است وابسته می‌داند (داج و همکاران، ۱۹۸۶). این الگو ارائه موقعیت‌های فرضی را که در آن کودک با مسایل مختلف اجتماعی مواجه است و باید به حل آنها بپردازد پیشنهاد می‌کند. بنابه نظر اردلی و آشر (۱۹۹۶) این موقعیت‌ها معمولاً دارای جهت‌گیری هدفی مشخصی هستند (برقراری رابطه دوستانه با همسال) و نمی‌توان از طریق آنها به بررسی رابطه اسناد نیت و هدف‌های اجتماعی با رفتار اجتماعی پرداخت. از این رو، آنان استفاده از موقعیت‌های اجتماعی مبهم را برای ارزیابی قابلیت اجتماعی پیشنهاد می‌کنند. در این موقعیت‌ها نیت همسال (عمدی یا غیرعمدی) از تحریک کودک را نمی‌توان به‌طور روشن تشخیص داد و

بنابراین کودک باید ابتدا نیت همسال را شناسایی کند، هدف اجتماعی را روشن نماید و باتوجه به ادراک خود- کارآمدی به انتخاب پاسخ و ارائه آن اقدام کند. از نظر اردلی و آشر موقعیت‌های مبهم این امکان را فراهم می‌آورند تا پاسخ‌های رفتاری وابسته به هدف‌های اجتماعی مختلف مشخص شود. آنان در پژوهش خود دو گروه اسناددهنده خصومت و عدم خصومت را شناسایی و در هر گروه نیز کودکان با سبک‌های رفتاری اجتنابی، پرخاشگری و حل مسئله را تشخیص دادند. به نظر می‌رسد، در پژوهش‌هایی که قابلیت اجتماعی براساس الگوی پردازش اطلاعات اجتماعی تعریف می‌شود، استفاده از موقعیت‌های مبهم اجتماعی، ابزاری مناسب برای ارزیابی رفتارهای اجتماعی کودکان باشد. باتوجه به آنچه آمد، پژوهش حاضر دو هدف عمده را دنبال می‌کند:

۱. شناسایی رابطه اسناد نیت با پاسخ‌های رفتاری کودک به هنگام مواجهه با یک موقعیت اجتماعی مبهم.
۲. تعیین رابطه هدف‌های اجتماعی و ادراک خود- کارآمدی با پاسخ‌های رفتاری کودکان دارای سبک‌های اسنادی مشابه به محرک اجتماعی مبهم.

### روش شناسی

طرح پژوهش حاضر از نوع طرح‌های غیرآزمایشی و به عبارت دقیق‌تر تحقیق از نوع همبستگی است.

### آزمودنی‌ها

۶۳۵ دانش آموز (۳۱۴ دختر و ۳۲۸ پسر) پایه پنجم ابتدایی شهرستان سبزوار در این پژوهش شرکت داشتند. آزمودنی‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از نه مدرسه ابتدایی دخترانه و نه مدرسه ابتدایی پسرانه انتخاب شدند. پس از اجرای مرحله اول پژوهش، تعداد ۴۳۱ نفر از آزمودنی‌ها حذف شدند و ۲۰۴ آزمودنی در مرحله دوم پژوهش شرکت کردند.



پاسخ‌های رفتاری کودکان به موقعیت اجتماعی، از شش داستان موقعیت اجتماعی مبهم که اردلی و آشر در سال ۱۹۹۶ طراحی کردند، استفاده شد. هر داستان بیان‌کننده یک موقعیت فرضی است که در آن همسال هم‌جنس آزمودنی عملی را انجام می‌دهد که موجب آسیب به او می‌شود، اما مشخص نیست که همسال این عمل را به صورت عمدی مرتکب شده یا تصادفی بوده است. بعد از هر داستان چهار پرسش، هر یک با هدفی مشخص، مطرح می‌شود. این پرسش‌ها با هدف‌های زیر تدوین شده‌اند:

الف. در پرسش ۱ اسنادهای کودکان درباره نیت همسال (آیا همسال به صورت عمدی یا تصادفی موجب آزار او شده است) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

ب. در پرسش ۲ پاسخ‌های رفتاری کودکان به هر یک از موقعیت‌های اجتماعی مبهم مورد شناسایی قرار می‌گیرد. پاسخ‌های رفتاری شامل پرخاشگری کلامی، پرخاشگری فیزیکی، عکس‌العمل منفعل، پاسخ اجتنابی و نوعی رفتار حل مسئله می‌باشد. از آزمودنی خواسته می‌شود از میان رفتارهای عنوان شده رفتاری را علامت بگذارد که معتقد است به احتمال زیاد در این شرایط انجام می‌دهد.

ج. در پرسش‌های ۳ هدف‌های اجتماعی کودکان در زمینه تعامل با همسالان مشخص می‌شود. آزمودنی‌ها باید میزان موافقت یا مخالفت خود را روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (۵ = کاملاً موافق، ۱ = کاملاً مخالف) با ۹ هدف اجتماعی: تلافی کردن، عدم درگیری، دوری از همسال، ایجاد احساس ناخوشایند، دفاع از خود، حل مسئله، دوری از خطر، کنار آمدن با همسال و اثبات قدرت و توانمندی اعلام کنند.

د. در پرسش ۴، ادراک خود-کارآمدی کودک در هدف‌های اجتماعی ذکر شده در پرسش ۳ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. آزمودنی میزان موفقیت یا مخالفت خود را در مورد ادراک خود-کارآمدی در جهت دستیابی به هدف‌های اجتماعی تلافی کردن، عدم درگیری، دوری از همسال، ایجاد احساس ناخوشایند، دفاع از خود، حل مسئله، دوری از خطر، کنار آمدن با همسال و اثبات قدرت و توانمندی روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً موافق = ۵ تا کاملاً مخالف = ۱) بیان می‌کند.

(پاسخ‌های رفتاری) هر یک از شش داستان پاسخ دادند. پس از اجرای این مرحله آزمودنی‌ها براساس اسناد نیت (پرسش ۱) به گروه‌های اسناددهنده خصومت (آسیب به صورت عمدی) و اسناددهنده عدم خصومت (آسیب به صورت تصادفی) تقسیم شدند. ۵۷ نفر (۴۰ پسر و ۱۷ دختر) در گروه اسناددهنده خصومت و ۱۴۷ نفر (۷۱ پسر و ۷۶ دختر) در گروه اسناددهنده عدم خصومت قرار گرفتند. به این ترتیب ۲۰۴ آزمودنی انتخاب و بقیه از پژوهش حذف شدند. براساس پاسخ آزمودنی‌های دو گروه به دومین پرسش سه زیرگروه پرخاشگر، کناره‌گیر و مسئله‌گشا در هر گروه مشخص شد. ملاک تشخیص هر یک از زیرگروه‌ها، داشتن سبک رفتاری یکسان در حداقل سه داستان تعیین شده بود. بدین ترتیب در گروه اسناددهنده خصومت ۱۳ نفر در گروه پرخاشگر، ۹ نفر در گروه کناره‌گیر و ۳۵ نفر در گروه مسئله‌گشا و در گروه اسناددهنده عدم خصومت، ۳ نفر در گروه پرخاشگر، ۶۰ نفر در گروه کناره‌گیر و ۸۴ نفر در گروه مسئله‌گشا جای گرفتند. در مرحله دوم آزمودنی‌ها به صورت انفرادی مورد مصاحبه قرار گرفتند و به پرسش‌های ۳ و ۴ آزمون جهت مشخص شدن هدف‌های اجتماعی و احساس خودکارآمدی پاسخ دادند.

### تحلیل آماری

برای مقایسه گروه‌ها در انتخاب هدف‌های اجتماعی و ارزیابی ادراک خود-کارآمدی برای آزمودنی‌های هر یک از دو گروه اسناددهنده خصومت و اسناددهنده عدم خصومت از روش تحلیل واریانس یک عاملی استفاده شد. با توجه به تعداد نامساوی دختران و پسران در گروه‌ها و تعداد اندک آنان در برخی زیرگروه‌ها، تحلیل‌های آماری روی کل نمونه انجام شد و تفکیک برحسب جنس میسر نشد.

### یافته‌ها

۱. هدف‌های اجتماعی و پاسخ‌های رفتاری کودکان دارای سبک‌های اسنادی مشابه الف. هدف‌های اجتماعی کودکان اسناددهنده خصومت با پاسخ‌های رفتاری

پرخاشگر، کناره‌گیر، مسئله‌گشا.

خصومت (پرخاشگر، کناره‌گیر، مسئله‌گشا) در بعضی از هدف‌ها با هم تفاوت معنادار دارد (۰/۰۱ <  $P < ۴/۹۸$  =  $F(۲ و ۵۴)$ ). این هدف‌ها عبارتند از تلافی کردن، عدم درگیری، دوری از خطر، کنار آمدن با همسال و اثبات قدرت و توانمندی. بنابر نتایج، گروه پرخاشگر بیشتر از دو گروه دیگر هدف‌های تلافی کردن، دوری از خطر و اثبات قدرت و توانمندی را در تعامل با همسالان برمی‌گزینند. کودکان گروه مسئله‌گشا به طور معناداری بیشتر از دو گروه کناره‌گیر و پرخاشگر هدف‌های عدم درگیری با همسال و کنار آمدن با همسال را انتخاب کرده و با آن موافقت دارند.

ب. هدف‌های اجتماعی کودکان اسناددهنده عدم خصومت با پاسخ‌های رفتاری پرخاشگر، کناره‌گیر، مسئله‌گشا.

بنابراین نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک عاملی، گروه‌های پرخاشگر، کناره‌گیر و مسئله‌گشا در هدف‌های دوری از همسال، ایجاد احساس ناخوشایند، حل مشکل، دوری از خطر و اثبات قدرت و توانمندی با یکدیگر تفاوت معنادار دارند (۰/۰۱ <  $P < ۴/۶۰$  =  $F(۲ و ۱۴۴)$ ). گروه مسئله‌گشا با هدف حل مشکل و دوری از خطر موافقت بسیار بالایی داشته و با هدف دوری از همسال و اثبات قدرت و توانمندی مخالفت دارد. گروه پرخاشگر با هدف اثبات قدرت و توانمندی و ایجاد احساس ناخوشایند در مقایسه با دو گروه دیگر موافقت بیشتری دارد. کودکان گروه کناره‌گیر، هدف دوری از همسال و دوری از خطر موافقت بالا و با هدف اثبات قدرت و توانمندی در ایجاد احساس ناخوشایند در مقایسه با دو گروه دیگر مخالفت بیشتری دارد.

۲. ادراک خود - کارآمدی با پاسخ‌های رفتاری کودکان دارای سبک‌های اسنادی مشابه الف. ادراک خود کارآمدی کودکان اسناددهنده خصومت با پاسخ‌های رفتاری پرخاشگر، کناره‌گیر، مسئله‌گشا.

نتایج تحلیل واریانس یک عاملی تفاوت معناداری را بین گروه‌های پرخاشگر، کناره‌گیر و مسئله‌گشا در ادراک خود - کارآمدی در رسیدن به هدف‌های اجتماعی نشان می‌دهد (۰/۰۱ <  $P < ۴/۹۷$  =  $F(۲ و ۵۴)$ ). گروه‌های اسناد دهنده خصومت در هدف‌های تلافی کردن، عدم درگیری، دفاع از خود، دوری از خطر و کنار آمدن با همسال با هم

احساس خود کارآمدی بالاتری در هدف‌های تلافی کردن و دفاع از خود دارد. کودکان گروه مسئله‌گشا احساس خود-کارآمدی بالایی در هدف‌های دوری از خطر، کنار آمدن با همسال و عدم درگیری داشتند و گروه کناره‌گیر احساس خود-کارآمدی پایینی در هدف‌های تلافی کردن و دفاع از خود در مقایسه با دو گروه دیگر دارد.

ب. ادراک خود-کارآمدی کودکان اسناد دهنده عدم خصومت با پاسخ‌های رفتاری پرخاشگر، کناره‌گیر، مسئله‌گشا

براساس نتایج تحلیل واریانس یک عاملی، احساس خود-کارآمدی گروه‌های اسناد دهنده عدم خصومت در هدف‌های تلافی کردن ( $F(2, 144) = 6.42, p < 0.01$ )، دفاع از خود ( $F(2, 144) = 13.37, p < 0.01$ )، دوری از خطر ( $F(2, 144) = 4.71, p < 0.01$ ) و کنار آمدن با همسال ( $F(2, 144) = 9.10, p < 0.01$ ) با هم تفاوت دارد. گروه مسئله‌گشا احساس خود کارآمدی بالایی در هدف‌های تلافی کردن و دفاع از خود در مقایسه با گروه کناره‌گیر داشته و در مقایسه با گروه پرخاشگر احساس خود کارآمدی بالاتری را در هدف‌های دوری از خطر و کنار آمدن با همسال نشان می‌دهد.

### ۳. هدف‌های اجتماعی و ادراک خود-کارآمدی

نتایج حاصل از محاسبه همبستگی میان هدف‌های اجتماعی و احساس خود-کارآمدی نشان می‌دهد که هدف‌های اجتماعی به نسبت بالایی با ادراک خود-کارآمدی کودکان در رسیدن به آن هدف‌ها رابطه دارد. کودکان بیشتر هدف‌هایی را دنبال می‌کنند که احساس اطمینان بیشتری در مورد کسب موفقیت آن دارند. جدول ۱ نتایج حاصل از محاسبه همبستگی میان هدف‌های اجتماعی و احساس خود-کارآمدی را در رسیدن به آن هدف‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۱. همبستگی بین هدف‌های اجتماعی با ادراک خود-کارآمدی در رسیدن به هدف‌های اجتماعی

اهداف اجتماعی	تلاش کردن دیگری	عدم پیچیدگی توسعه	بودی ناخوشایند	ایجاد احساس مفاد زغوره	حل مشکل توسعه	بودی بمسال	کنار آمدن وتوانند	کیفیت قدرت
تلاش کردن	۰/۳۲۰۰	-۰/۳۲۰۰	-۰/۰۹	-۰/۰۷	-۰/۲۰۰۰	-۰/۲۹۰۰	-۰/۰۵	-۰/۳۷۰۰
عدم دیگری	-۰/۰۹	۰/۵۵۰۰	۰/۶۸۰۰	۰/۸۰	-۰/۰۶	-۰/۰۸	۰/۶۸۰۰	-۰/۰۰۲
بودی توسعه	-۰/۱۶۰۰	-۰/۸۲	-۰/۳۶۰۰	-۰/۸۷۰۰	-۰/۱۶	-۰/۱۷	-۰/۸۵۰۰	-۰/۰۲۰۰
ایجاد احساس ناخوشایند	۰/۳۲۰۰	-۰/۲۹۰۰	۰/۸۲	-۰/۰۲	۰/۶۰۰	۰/۳۶۰۰	۰/۸۲	-۰/۲۸۰۰
مفاد زغوره	۰/۳۶۰۰	-۰/۸۲	-۰/۰۲	۰/۱۲۰۰	۰/۲۹۰۰	۰/۱۲۰۰	-۰/۰۲	۰/۸۶۰۰
حل مشکل	۰/۶۸۰۰	۰/۳۶۰۰	۰/۰۹	۰/۳۶۰۰	۰/۲۵۰۰	۰/۳۲۰۰	۰/۳۰۰۰	-۰/۸۰
بودی توسعه	-۰/۳۶۰۰	۰/۸۱۹۰۰	-۰/۰۶	-۰/۱۶	-۰/۸۲	-۰/۲۶۰۰	۰/۲۲۰۰	-۰/۳۰۰۰
کنار آمدن بمسال	-۰/۱۶۰۰	-۰/۳۶۰۰	-۰/۰۲	-۰/۸۵۰۰	-۰/۰۶	-۰/۱۶	۰/۶۷۰۰	-۰/۱۷۰۰
کیفیت قدرت و توانند	۰/۱۲۰۰	۰/۳۶۰۰	۰/۰۰۱	۰/۲۰۰۰	۰/۱۹۰۰	-۰/۰۸	-۰/۰۵	۰/۳۲۰۰

\*P < ۰/۰۱

\*\*P < ۰/۰۵

### بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک عاملی نشان داد که کودکان با سبک‌های اسنادی مشابه دارای پاسخ‌های رفتاری متفاوتی به یک محرک اجتماعی هستند. برای مثال در گروه اسناد دهنده خصومت، کودکانی قرار گرفته‌اند که پاسخ‌های اجتنابی به تحریک همسال را بر سایر پاسخ‌ها ترجیح می‌دهند و در گروه اسناد دهنده عدم خصومت کودکانی پرخاشگری هستند که به تحریک همسال به صورت پرخاشگرانه پاسخ می‌دهند. این نتایج حاکی از آن است که در ارائه پاسخ‌های رفتاری علاوه بر اسناد نیت

کارآمدی است. همان‌طور که در الگوی پردازش اطلاعات اجتماعی آمده است تفسیر موقعیت اجتماعی اگر چه تحت تأثیر اسنادهای علی و اسناد نیت قرار دارد ولی بعد از تفسیر موقعیت، فرد باید هدف‌های مناسب با آن موقعیت را انتخاب و آنها را ارزیابی کند. همین امر موجب تفاوت‌های رفتاری کودکان می‌شود.

براساس نتایج، تفاوت در هدف‌های اجتماعی و ادراک خود-کارآمدی کودکان با تفاوت‌های آنان در پاسخ‌های رفتاری رابطه دارد. بنابر یافته‌های حاصل از تحلیل واریانس یک متغیری، کودکانی که به همسال خود داشتن نیت خصمانه را نسبت داده و پاسخ‌های پرخاشگرانه را تایید می‌کنند، به ترتیب هدف‌های اثبات قدرت و توانمندی، دفاع از خود، تلافی کردن و ایجاد احساس ناخوشایند را مثبت ارزیابی کرده‌اند. کودکان اسناددهنده عدم خصومت به همسال که پاسخ‌های پرخاشگرانه را تایید می‌کنند بیشتر بر هدف‌های اثبات قدرت و توانمندی و حل مشکل تأکید دارند. این نتایج با یافته‌های حاصل از پژوهش اسلپی و گورا (۱۹۸۸)، لوچمن و همکاران (۱۹۹۳) و اردلی و آشر (۱۹۹۶) همخوانی داشته و مؤید رابطه بین اسناد نیت و هدف‌های اجتماعی با پاسخ‌های رفتاری است. کودکان پرخاشگر در ادراک خود-کارآمدی با توجه به اسناد نیت با یکدیگر تفاوت دارند. کودکان پرخاشگر اسناددهنده خصومت، توانایی خود را در رسیدن به هدف‌های اثبات قدرت و توانمندی، دفاع از خود، تلافی کردن و ایجاد ناخوشایند بسیار بالا می‌دانند. کودکان پرخاشگر اسناددهنده عدم خصومت، احساس کارآمدی بالایی در رسیدن به هدف‌های دفاع از خود، اثبات قدرت و توانمندی و ایجاد احساس ناخوشایند دارند. نتایج حاضر با نتایج پژوهش کرک و داج (۱۹۸۹) (۲۳)، پری و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) (۲۴) و اردلی و آشر (۱۹۹۶) همخوانی دارد. بنابراین می‌توان گفت که کودکان پرخاشگر زمانی که برانگیخته می‌شوند برایشان اجتناب از رفتارهای پرخاشگری دشوار است و در تعامل با همسالان به جای اعمال اجتماع‌گرایانه بیشتر پرخاشگرانه رفتار می‌کنند. به نظر می‌رسد که برای این کودکان رفتارهای پرخاشگری ارزش بالایی دارد و آنان خود را در ارائه این‌گونه رفتارها کارآمدتر از سایر رفتارها می‌دانند. براساس الگوی پردازش اطلاعات اجتماعی، خزانه رفتاری کودکان پرخاشگر

فاقد شکل دیگری از رفتارهای اجتماعی است و آنان تجربه دیگری جز پرخاشگری ندارند.

هدف‌های کودکان کناره‌گیر در گروه اسناد دهنده خصومت به ترتیب عبارت است از حل مشکل، دوری از خطر، دفاع از خود و عدم درگیری. در گروه اسناددهنده عدم خصومت نیز کودکان کناره‌گیر بر هدف‌های حل مشکل کنار آمدن با همسال، دوری از خطر و عدم درگیری تاکید دارند. بنابراین کودکان کناره‌گیر هدف‌های اجتماعی مبتنی بر اجتناب از دیگران را مثبت ارزیابی می‌کنند. این نتایج با نتایج تحقیق اردلی و آشر (۱۹۹۶) همخوانی دارد. از سوی دیگر، کودکان کناره‌گیر در دستیابی به بسیاری از هدف‌ها (بجز هدف‌های پرخاشگری) خود را مثبت ارزیابی کرده‌اند، ولی پاسخ‌های رفتار اجتنابی بر سایر رفتارهای آنان غلبه دارد. شاید علت آن باشد که این کودکان تمایل زیادی به اجتناب از درگیری و برقراری رابطه مثبت با دیگران دارند و همین امر ممکن است آنان را به رفتار اجتنابی هدایت کند که شاید موثرتر از به کار بردن راهبردهای حل مسئله هستند.

نتایج نشان دادند که کودکان مسئله‌گشا در هر دو گروه اسناد دهنده خصومت و عدم خصومت بر هدف‌های اجتماع‌گرایانه تاکید داشته‌اند. آنان بیشتر هدف‌های حل مشکل، کنار آمدن با همسال و عدم درگیری را انتخاب کرده‌اند. این گروه در ضمن داشتن احساس کارآمدی بالا در دستیابی به بیشتر هدف‌های اجتماعی، خود را در انجام رفتارهای اجتماع‌گرایانه معطوف به حل مسئله، کارآمدتر ارزیابی می‌کند. به نظر می‌رسد، که کودکان مسئله‌گشا با استفاده از تجربیات قبلی خود، بهتر از دو گروه پرخاشگر و کناره‌گیر به تفسیر موقعیت اجتماعی پرداخته، هدف‌های خود را انتخاب کرده و به ارزیابی پاسخ‌های بدیل می‌پردازند. شاید بتوان گفت که گروه کودکان مسئله‌گشا در پردازش اطلاعات اجتماعی موفق‌تر از سایرین عمل می‌کنند.

نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، پیش‌بینی‌های استنتاج شده از الگوی پردازش اطلاعات اجتماعی را مورد تأیید قرار می‌دهد و نشان دهنده اثر متغیرهای مختلف انگیزشی - شناختی و اجتماعی در بروز رفتارهای اجتماعی می‌باشد.

بر اساس نتایج، تعداد کودکان پرخاشگر در دو گروه اسناددهنده خصومت و عدم

مقابل ۴/۲۶٪) که می‌توان آن را به تأثیر عوامل بافتی در بروز رفتار نسبت داد. رفتار اجتماعی کودک از یکسو تحت تأثیر بافتی است که در آن قرار دارد (داج و همکاران، ۱۹۸۶) و از سوی دیگر ارزیابی دیگران عاملی مؤثر در تداوم یک سبک رفتاری نزد کودک می‌باشد. آزمودنی‌های پژوهش حاضر در بافت فرهنگی - سنتی سبزوار رشد کرده‌اند. از ویژگی‌های این بافت ارج نهادن به ارزش‌های اعتقادی و روحیه آرام مردمان آن است. به نظر می‌رسد، که این ویژگی‌ها در کاهش روحیه پرخاشگری در کودکان مؤثر بوده و آنان را به سمت هدف‌های اجتماعی مورد تایید دیگران و در نتیجه رفتارهای جامعه‌پسندانه هدایت کرده است.

به‌طور کلی، نتایج پژوهش نشان داد که اگرچه اسناد نیت در تعیین پاسخ‌های رفتاری نقش مهمی را ایفا می‌کند؛ اما انتخاب هدف‌های اجتماعی و ادراک خود-کارآمدی عاملی مؤثر در ایجاد تفاوت‌های رفتاری کودکان می‌باشد. بر همین اساس با ایجاد تغییر نگرش در مورد ارزشمندی هدف‌های اجتماعی و ارتقای ادراک خود-کارآمدی کودک در ارائه رفتارهای جامعه‌پسندانه، می‌توان به بهبود قابلیت‌های اجتماعی کودکان کمک کرد.

- هر چند نتایج این پژوهش با یافته‌های بسیاری از پژوهش‌های قبلی همخوانی دارد، ولی پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های بعدی به نکات زیر توجه شود:
۱. از روش‌های مختلف برای ارزیابی رفتار اجتماعی کودک (از قبیل مشاهده، نظرخواهی همسالان و معلمان) استفاده شود.
  ۲. بین دو جنس مقایسه صورت گیرد.



Reference

- Asher, S.R., Renshaw, P.D. (1993). Children's goals and strategies for social interaction. *Merrill - Palmer Quarterly*, 29, 553 - 574.
- Asher, S.R., Renshaw, P.D., Geraci, R.L. (1980). Children's friendships and social competence. *International Journal to linguistics*, 7, 27-39.
- Bandura, A. (1989). Social cognitive theory, In R. Vasta (Ed), *Angals of child development*. Greenwich, ct: JAI press.
- Bandura, A. (1989). Regulation of cognitive processes through perceived self - efficacy. *Developmental psychology*, 25, 729 - 735.
- Berndt, T.J., Berndt, E.G. (1975). Children's use of motives and intertnionality in person perception and moral Judgment. *Child Development*, 49, 904 - 912.
- Coie, J.D., Dodge, K.A., Kupersmidt, J.B. (1990). Peer group behavior and Social status. in S.R. Asher, J.D. Coie (Eds), *Peer rejection in childhood*. New-York: Cambridge university Press.
- Crick, N.R., Dodge, K.A. (1994). A Review and Reformulation of social Information - processing mechanisms in children's social Adjustment. *Psychological Bulletin*, 115, 74 - 101.
- Crick, N.R., Ladd, G.W. (1990) Children's perception of the outcomes of aggressive strategies: Do the end Justify being mean? *Developmental Psycholosy*, 26, 612 - 620.
- Crick, N.R., Dodge, K.A. (1989). Children's perceptions of peer entry and conflict situations: Social strategies, gools and outcome expectations. In B. Schneider, J. Nadel, G. Attili, R. weissberg (Eds), *Social competence in Development perspective*. Boston: kluwer Academic publishers.
- Dodge, K.A. (1985). Facets of social interaction and the assessment of social

- children's peer relation: issues in assessment and intervention*. New - York: springerverlga.
- Dodge, K. A., Asher, S. R., Parkherst, J. T. (1989). Social life as a goal coordination task. In C. Ames (Eds), *Research on motivation in education*. vol 3. SanDiago, CA: Academic press.
- Dodge, K., Asher, S.R., Newman, J. P. (1981). Biased decision making processe in aggressive boys. *J. of Abnormal psychology*, 90, 375- 379.
- Dodge, K. A., Pettit, G.S., McClaskey, C.L., Brown, M.M. (1986). Social Competence in children. *Monographs of the society for research in child development*, 51 (2 serial No. 213).
- Doge, K. A., Somberg , D. R. (1987). Hostile attributional biases among aggressive boys are exacerbated under conditions of threats to the self. *Child development*, 58, 213- 224.
- Dweck, C. S., Leggett, E. L. (1988). A Social - cognitive approach to motivation and personality. *Psychological Review*, 95, 256- 273.
- Erdley, C. A., Asher, S. R. (1996). Children's social goals and self- efficacy perceptions as influences on their responses to ambiguous provocation. *Child development*, 67, 1329- 1344.
- Lochman, J. E., Wayland, K. K., White, K. J. (1993). Social goals: Relationship to adolescent adjustment and to social problem solving. *J. of Abnormal child psychology*, 21, 135- 151.
- Perry, D. G , Perry, L. C., Rasmussen, P. (1988). Cosnitive social learning mediators of aggression. *Child development*, 57, 700-711.
- Quiggle, N., Garber, J., Panak, W., K. A. Dodge,(1992). Social information processing in aggressive and depressed children. *Child development*, 63, 1305- 1320.

## استفاده از رسانه‌های گروهی نزد دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه شهر تهران

کمال درانی

استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

دانشگاه تهران

### چکیده

پژوهش حاضر در پی بیان میزان و نوع استفاده از رسانه‌ها توسط دانش‌آموزان دختر و پسر مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان است. به همین منظور ۱۰۰۲ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر مناطق ۲، ۳، ۶، ۱۳ و ۱۶ شهر تهران مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق بیانگر این است که گروه نمونه از رسانه تلویزیون بیشتر استفاده می‌کند و نیز بهره‌مندی آنها از برنامه‌های نمایشی و فیلم این رسانه در اولویت قرار دارد. در ادامه به بررسی مقایسه‌ای استفاده از رسانه‌ها بین گروه‌های پسر و دختر پرداخته شد. همچنین این گروه‌ها به تفکیک مقاطع تحصیلی نیز مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاصل از این پژوهش علاوه بر این که به مدیران رسانه‌ها در جهت برنامه‌ریزی هر چه بیشتر کمک می‌کند، به اولیا و مربیان نیز این امکان را می‌دهد که اثرات تربیتی این رسانه‌ها را بر فرزندان و دانش‌آموزان خود بسنجند. نتایج گویای آن است که مناطق جغرافیایی مختلف در سطح شهر از رسانه‌های مختلفی استفاده می‌کنند. به طور مثال، درصد استفاده از ویدیو در مناطق شمال شهر بیشتر از مناطق جنوب شهر است.

واژگان کلیدی: رسانه‌های گروهی، برنامه‌ریزی رسانه‌های گروهی، نماد و رسانه‌های گروهی.

### مقدمه

رسانه‌های گروهی امروزه نقشی فراتر از یک وسیله سرگرم‌کننده یافته‌اند. در واقع این وسایل به ابزاری فرهنگ ساز مبدل شده‌اند. قدرت‌های مسلط جهانی می‌کوشند با استفاده از این ابزار زمینه‌های نفوذ فرهنگی خود را در سایر جوامع فراهم آورند. تهیه و تولید برنامه‌هایی با سرمایه‌های گزاف که در آنها زمینه‌های فرهنگی خاص تبلیغ

- interpersonal competence, intra personal comfort, and intellectual level. *Development Psychology*, 2, 335-350.
- Slaby, R. G., Guerra, N. G. (1988). Cognitive mediators of aggression in adolescent offenders: Assessment *Developmental psychology*, 24, 580-588.
- Strayer, F. F. (1989). Co adaptation within the early peer group: A psychobiological study of social competence, in B. schneider, J. Nadel, G. Attili, R. weissberg (Eds). *Social competence in development perspective*. Boston: Kluwer Academic Publishers.
- Waldman, L. D. (1988). *Relationship between non- social information processing, social perception and social status in 7 to 12 years - old boys*. ontario: University of waterpoo.
- Weiner, B., Graham, S. (1984). An attributional approach to emotional development. In C. E. Izard, B. Zajonc (Eds). *Emotion, cognition and Behavior*. Cambridge: Cambridge university press.